

استعاره دستوری از منظر آموزش و یادگیری زبان فارسی: تحلیلی بر پایه دیدگاه زبان بنیاد هلیدی

محمد باقر میرزایی حصاریان^۱
شیوا احمدی^۲

چکیده

استعاره دستوری یکی از مفاهیم اساسی در دستور نظام‌مند- نقش‌گرا است که در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است. یکی از مسائل مطرح در مورد استعاره دستوری بحث آموزش و یادگیری این نوع استعاره‌هاست. هلیدی (۳۹۹۱) یادگیری استعاره دستوری را بیستمین ویژگی زبان‌آموزی می‌داند که دست کم تا نه سالگی نمود نمی‌یابد و در مرحله ثانویه یادگیری فراگرفته می‌شود. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود چگونگی آموزش و یادگیری استعاره‌های دستوری در منابع درسی و نوشته‌های فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان سطح پایه مورد بررسی قرار گیرد؛ برای این منظور، کتاب خواندن و نوشته‌های فارسی‌آموزان سطح پایه مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه امام خمینی (ره) بررسی شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان و نوع استفاده از استعاره‌ها در کتاب و نوشته‌های زبان‌آموزان بسیار به هم شبیه است. استعاره‌های اسم‌سازی و وجهیت به ترتیب بالاترین میزان وقوع را در کتاب درسی و نوشته‌های فارسی‌آموزان داشته‌اند (هم در کتاب درسی و هم در نوشته فارسی‌آموزان اسم‌سازی و وجهیت بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند). همچنین، هیچ نمونه‌ای از استعاره‌های وجه و گذرای در نوشته‌های فارسی‌آموزان ملاحظه نگردید؛ در حالی که در کتاب درسی چند مورد از استعاره گذرای دیده شد.

کلید واژه‌ها:

استعاره دستوری، اندیشگانی، بینافردی، فارسی‌آموزان.

۱. استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). mbmh53@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه شیراز. shiva.ah1984@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

مقدمه

در آموزش زبان دوم باید شیوه‌های موثر در یادگیری زبان و همچنین الگوبرداری از یادگیری زبان توسط کودکان، مورد توجه قرار گیرد تا راه برای زبان‌آموزی هموار گردد؛ به این منظور، باید به بررسی متون (نوشتاری و گفتاری) زبان-آموزان پرداخت تا اشتباهات آنها را کشف و صحت پژوهش‌های پیشین را تأیید یا رد کرد. یکی از مسائلی که هلیدی (۱۹۹۳) در روند یادگیری زبان‌آموزی کودک مطرح می‌کند، یادگیری و به‌کاربردن استعاره دستوری است. استعاره دستوری از مفاهیمی است که هلیدی (۱۹۸۵) برای اولین بار در دستور نظام-مند-نقشگرا مطرح و توجه بسیاری از محققان و زبان‌شناسان را به خود جلب کرد. هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) معتقد هستند که تأثیر کلی استعاره‌های دستوری این است که لایه‌های بیشتری از معنا را نشان می‌دهند؛ یعنی با ایجاد ساخت-های جدید، می‌توانند حوزه‌های معنایی نظام‌مند ایجاد کنند و پتانسیل معنایی^۳ را گسترش دهند. آنچه که استعاری می‌شود، صورت نامتجانس^۴، معنای اصلی-اش را از دست نمی‌دهد و اضافه شدن مشخصه‌ی معنایی، به دلیل استعاری شدن است. در واقع، می‌توان گفت که صورت استعاری معنای صورت غیر استعاری را از دست نمی‌دهد؛ بلکه با استفاده از صورت استعاری سعی بر آن است که معنایی علاوه بر معنای غیر استعاری به خواننده یا شنونده منتقل شود. به عبارت دیگر با صورت استعاری ما مشخصه‌های معنایی دیگری را به واژه اضافه می‌کنیم.

استعاره دستوری به مثابه‌ی نوع نشان‌دار زبان توصیف شده و در نقش‌گرایی اصطلاح «نامتجانس» برای اشاره به «عبارت استعاری» به کار رفته است. عبارات استعاری، عباراتی هستند که با روش‌های معمول بیان مطابقت ندارند (هلیدی، ۱۹۸۵: ۳۲۱). تامپسون (۱۹۹۶: ۱۶۵) استعاره دستوری را بیان معنا از طریق صورت واژگان-دستور در نظر گرفته است که برای بازنمایی نوع متفاوتی از معنا شکل گرفته است. تاکنون پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه‌ی میزان کاربرد انواع استعاره‌های دستوری در متون دانشگاهی و علمی (مانند مقالات، رساله‌ها و ..)، رسانه‌ای (تبلیغات، اخبار) و سیاسی و اجتماعی (سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها) انجام

۳. meaning potential

۴. non- congruent

گرفته است. با توجه به قابلیت استعاره دستوری در ایجاد حوزه‌های معنایی نظام‌مند، نگارندگان پژوهش حاضر به دنبال آن هستند که کاربرد انواع استعاره‌های دستوری را در کتاب خواندن و درک مطلب فارسی برای زبان‌آموزان غیر ایرانی (جعفری و همکاران، ۱۳۹۱) و نوشته‌های فارسی‌آموزان سطح پایه، به تعداد ۱۴ متن، بررسی کنند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند:

- چه نوع از استعاره‌های دستوری در نوشته‌های فارسی‌آموزان سطح پایه بیشتر استفاده شده است؟
- چه نوع از استعاره‌های دستوری در کتاب خواندن و درک مطلب سطح پایه بیشتر دیده می‌شود؟
- ۳- استعاره‌های دستوری در متون کتاب خواندن و درک مطلب فارسی برای زبان‌آموزان غیر ایرانی و نوشته‌های فارسی‌آموزان سطح پایه چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟
- با توجه به پرسش‌های فوق، فرضیه‌های زیر مد نظر قرار گرفته است:
- در نوشته‌های فارسی‌آموزان سطح پایه استعاره دستوری بین‌فردی از استعاره‌های گذرایی بیشتر است.
- در کتاب خواندن و درک مطلب فارسی برای زبان‌آموزان غیر ایرانی میزان استعاره‌های دستوری بین‌فردی از استعاره‌های گذرایی بیشتر است.
- نوع استعاره‌های به کاررفته در کتاب خواندن و درک مطلب فارسی برای زبان‌آموزان غیر ایرانی و همچنین نوع آنها در نوشته‌های فارسی‌آموزان تفاوت چندانی ندارد.

پیشینه‌ی پژوهش

به اعتقاد هلیدی (۱۹۹۸: ۱۹۵) استعاره دستوری در متون علمی و آکادمیک قابلیت ارجاع و بسط دادن را دارد؛ به این معنا که استعاره دستوری می‌تواند از طریق ارجاع، تصویر خاصی از جهان را بازنمایی کند. همچنین می‌تواند از طریق ارتباط منطقی - معنایی مانند متغیر زمان، یک فرایند را به فرایند دیگر مرتبط کند. هلیدی (۱۹۸۵: بخش اول) ارتباط بین استعاره دستوری و کانال ارتباطی نوشتار یا گفتار را با پیچیدگی مطرح می‌کند. او بیان می‌کند که متون نوشتاری و گفتاری از نظر پیچیدگی متفاوت هستند. بنابراین، از آنجایی که استعاره‌های دستوری، مخصوصاً استعاره‌های اسم‌سازی بر غنای متن می‌افزایند، در نوشتار بیشتر استفاده می‌شوند. وی (۱۹۹۳) معتقد است که استعاره دستوری باید در

مراحل پیشرفته به زبان آموز، آموزش داده شود؛ زیرا استعاره دستوری در متون دانشگاهی و متون دارای نظمی خاص، کاربرد دارد.

درویانشکا (۱۹۹۵) معتقد است که در مورد یادگیری زبان توسط کودک، نکته‌ای حائز اهمیت است و آن این است که وقتی کودک در معرض متون نوشتاری قرار می‌گیرد که حاوی استعاره‌های دستوری هستند، می‌تواند در به کارگیری استعاره‌های توسط کودک تاثیر بگذارد. یعنی ممکن است باعث شود کودک هم به تقلید از آن متون از استعاره‌های دستوری استفاده کند.

اشلیپرگل (۲۰۰۴: ۱۷۸) معتقد است که در آموزش مهارت نوشتاری باید استعاره دستوری آموزش داده شود و آموزش دستور از طریق درک کارکرد نقش دستور در بافت گفتمانی تقویت شود.

رشینا- پانکوا (۲۰۱۰: ۱۹۴) در زمینه آموزش استعاره دستوری معتقد است که افزایش آگاهی زبان آموز نسبت به نقش استعاره دستوری در گفتمان دانشگاهی و آموزش آن از طریق تحلیل متن، همراه با سازوکارهای شکل‌گیری استعاره اسم‌سازی و نقش آن در معناسازی امکان‌پذیر است.

چکیر ساری و سنگیز (۲۰۱۶) در پژوهشی با رویکرد زبان‌شناسی نظام‌مند نقش گرا به بررسی انواع استعاره‌های دستوری به صورت اسم‌سازی در گفتمان کلاسی کلاس‌های ترکی پرداخته‌اند. برای این منظور، نویسندگان، کلاس ترکی هشت نفر از معلمان را در سطوح مختلف آموزشی و در مدارس مختلف به صورت ویدیویی ضبط کردند. این ویدیوها به طور کامل پیاده‌سازی شدند و به صورت نسخه نوشتاری در آمدند و براساس کاربرد استعاره اسم‌سازی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که گسترش (پیشرفت) و توزیع اسم‌سازی براساس جنسیت معلمان (مرد یا زن بودن) و همچنین، تجربه آنها متفاوت است؛ گرچه از نظر آماری این تفاوت چندان چشم‌گیر نبود.

رضاپور (۱۳۹۲) الگوی جدیدی را در درجه‌بندی بندها در متون آموزش زبان فارسی براساس پارامترهای گذرای و استعاره دستوری معرفی کرده است. او معتقد است که درجه‌بندی متون آموزشی باید به گونه‌ای باشد که در سطح مقدماتی تا حد امکان از بندهایی با میزان گذرایی بالا استفاده شود. علاوه براین، از کاربرد استعاره دستوری اعم از اندیشگانی (گذرایی و اسم‌سازی) و

بینافردی (وجه و وجهیت) در متون سطح پایه خودداری گردد.

۳. چارچوب نظری

۳.۱. نظریه زبان بنیاد هیلیدی

هیلیدی (۱۹۹۳) معتقد است که فراگرفتن زبان به معنی یادگرفتن این است که از چه ابزارهایی برای بیان معنا استفاده کنیم. از آنجایی که بشر به طور ذاتی مخلوقی است که در همه زمینه‌ها به دنبال ابزارهایی برای بیان معناست (که در فرایندهای نشانه‌شناختی و به عنوان نمونه‌ی بارز آن زبان، دائماً با معنا سرو کار دارد) همه یادگیری‌های بشر به طور ذاتی مربوط به نشانه‌شناسی است؛ به عبارت دیگر خاستگاه یادگیری بشر از دید هیلیدی، نشانه‌شناختی است. به طور کلی می‌توان فرایند یادگیری زبان را به طریقی که کودکان منابع معنایشان را به تصویر می‌کشند، الگوسازی کرد و آن را در زبان توسط بزرگسالان به کار گرفت. براساس نظریه‌ی زبان بنیاد هیلیدی (همان) فراگیری زبان در کودک شامل ۲۱ ویژگی است که هرکدام از آنها در مرحله‌ای از زندگی کودک فراگرفته می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارزی که هیلیدی در یادگیری زبان در کودکان به آن اشاره می‌کند، یادگیری نشانه‌ها از طریق تعامل با دیگران و تبدیل تجربه به معنا (معنای اندیشگانی) است. ویژگی دیگر، یادگیری اصطلاحات انتزاعی و بازنمایی استعاره‌های دستوری در گفتار کودکان است که در حدود نه سالگی، اتفاق می‌افتد (هیلیدی، همان: ۱۱۱). استعاره دستوری یکی از ابزارهای شاخص گفتمان «نوشتاری»^۵، به ویژه گفتمان نوشتاری بزرگسالان است. به اعتقاد هیلیدی (همان) و مارتین (۱۹۹۰) استعاره دستوری کلید ورود به مرحله‌ی جدیدی از یادگیری زبان تخصصی (فنی)^۶ است. از نظر هیکمن (۱۹۸۶: ۱۱) برای رشد زبانی، رشد سیستم شناختی ضروری است و باید پیش از آن رخ دهد؛ یعنی کودکی که بتواند مراحل پیشرفته زبان را پشت سر بگذارد، از نظر شناختی هم به آن درک و مرحله پیشرفته رسیده است. در نظریه پیاز (۱۹۷۲) رشد شناخت مستقل از رشد زبان و از نظر علی مقدم بر آن است؛ یعنی کودک پیش از آنکه وارد مرحله بعدی زبان‌آموزی شود، از نظر شناختی هم وارد مرحله بالاتر می‌شود

۵. Written discourse

۶. technical

و سپس مرحله جدیدی از زبان‌آموزی‌اش آغاز می‌شود. باتوجه به موارد ذکر شده، می‌توان با درک فراگیری زبان توسط کودک، یادگیری زبان دوم را در بزرگسالان بررسی کرد.

۲.۳. استعاره دستوری

وندایک (۱۳۸۷: ۳۶) معتقد است که استعاره یک نوع کارکرد اقناعی متن است که در سبک گفتمان، معنا و ایجاد انسجام در آن می‌تواند دخیل باشد. هلیدی (۱۹۹۴: ۳۱۲) استعاره دستوری را یک انتقال و جایگزینی محسوب می‌کند که نوعی ابزار دستوری را با نوع دیگری جایگزین می‌کند ولی معنای دستوری مشابهی دارد. وی (۱۹۹۸: ۲۰۳) تسلط بر استعاره دستوری را سریع‌ترین راه برای پیشبرد متن نوشتاری می‌داند و آن را یکی از ابزارهای شاخص نوشتار بزرگسالان محسوب می‌کند. از نظر هلیدی متون نوشتاری از نظر واژگانی غنی‌تر از متون گفتاری هستند و اسم‌سازی نسبت به حالت غیر استعاری می‌تواند میزان اطلاعات بیشتری را در بند بگنجاند. سیمپسون و تور^۷ (۲۰۰۳: ۱۷۰) معتقد هستند که استعاره دستوری منبع زبانشناختی مهمی برای ایجاد زبان نوشتاری و سبک‌های تخصصی است؛ هلیدی (۱۹۸۵) در سطح کلان، استعاره دستوری را به دو نوع اندیشگانی و بینافردی تقسیم کرده است که استعاره دستوری اندیشگانی شامل استعاره گذرای و اسم‌سازی^۸ و استعاره دستوری بینافردی شامل دو استعاره دستوری وجه و وجهیت^۹ است و استعاره دستوری اسم‌سازی، رایج‌ترین نوع استعاره اندیشگانی است.

به اعتقاد هلیدی (۱۹۹۴) هر دو نوع استعاره حدوداً در نه سالگی فراگرفته می‌شوند. استعاره‌های بینافردی برای بیان عقاید شخصی، نظر مثبت و منفی در مورد موضوعی و استعاره‌های اندیشگانی، مخصوصاً استعاره اسم‌سازی، برای سازماندهی اطلاعات‌شان در زمینه‌های علمی و تخصصی اهمیت دارند. اما چون کودک در ابتدا سخن گفتن را می‌آموزد و سپس نوشتن را؛ بنابراین، ابتدا استعاره‌های بینافردی را به کار می‌برد و سپس استعاره‌های اندیشگانی را.

Torr .۷

nominalization .۸

modality .۹

هلیدی (۱۹۸۹: ۹۶) بیان می‌کند که یادگرفتن استفاده از استعاره‌های دستوری چیزی است که کودک در اواخر سال‌های دبستان به آن دست می‌یابد که در آن سال‌ها بیشتر یاد می‌گیرد که چطور بنویسد (پینتر، ۲۰۰۳: ۱۵۲).

۱.۲.۳. استعاره اندیشگانی

این نوع استعاره شامل استعاره‌های گذرای و اسم‌سازی است. هلیدی و متیسن (۲۰۰۴: ۶۳۶) معتقد هستند که کودکان، استعاره اندیشگانی را دیرتر از استعاره بینافردی یاد می‌گیرند و در واقع، این نوع استعاره شامل آن بخش از دستور نمی‌شود که از اطرافیان خود می‌آموزد. استعاره اندیشگانی با گفتمان علمی، آموزشی و حقوقی مرتبط است؛ یعنی کودک با رفتن به مدرسه آن را می‌آموزد.

۱.۲.۳.۱. استعاره دستوری گذرای

استعاره دستوری گذرای یک نوع از استعاره اندیشگانی است که با تغییر نوع فرایند (فعل) همراه است و معمولاً در صورت متجانس (بینشان) از یک نوع فرایند و در صورت نامتجانس (استعاری) از فرایندی متفاوت استفاده می‌شود. در زبان فارسی موارد متفاوتی از این نوع فرایند وجود دارد. در مثال‌های زیر تغییر نوع فرایند (فعل)، منجر به ایجاد استعاره دستوری اندیشگانی می‌گردد:

- الف - علی ۵۰ ساله شد (متجانس) (نگارندگان).
- ب - علی رفت تو ۵۰ سالگی (استعاری) (نگارندگان).
- الف - تازه موضوع را فهمیدم (متجانس) (نگارندگان).
- ب - تازه دوزاریم افتاد (استعاری) (نگارندگان).

۱.۲.۳.۲. استعاره دستوری اسم‌سازی

در استعاره دستوری اسم‌سازی، فعل یا صفت، در بند، تبدیل به اسم می‌شود و در حقیقت، ساخت بند، متراکم شده و چندین بند، تبدیل به یک بند می‌شود. در ادامه نمونه‌هایی از این نوع را ملاحظه می‌نمایید:

- الف - برایم سخت شده است به مدرسه بروم (متجانس) (نگارندگان).
- ب - رفتن به مدرسه برایم سخت شده است (استعاری) (نگارندگان).
- الف - از بابلیس استفاده کن تا موهایت را حالت بدهی (متجانس) (نگارندگان).
- ب - برای حالت دادن به موها از بابلیس استفاده کن (استعاری) (نگارندگان).

- الف - به محض اینکه پول را پیدا کردم، آن را به صاحبش دادم (متجانس) (نگارندگان).
- ب - به محض پیدا کردن پول، آن را به صاحبش دادم (استعاری) (نگارندگان).

۳.۲.۲. استعاری دستوری بینافردی

تاوینیرز (۲۰۰۲) استعاره دستوری بینافردی را به مثابه مضاعف سازی معنای نشانه شناختی و مضاعف سازی زمینه بر حسب معنا تعریف کرده است. دو نوع استعاره دستوری بینافردی شامل استعاره های وجه و وجهیت است.

۳.۲.۲.۱. استعاری دستوری وجه

در استعاره وجه، حالت بند تغییر می کند و در حقیقت یک حالت می تواند دو یا چند نقش زبانی را بازنمایی کند. گوینده به دلایل کلامی می تواند به جای استفاده از وجه خبری از وجه پرسشی استفاده نماید؛ مثلاً گوینده به جای استفاده از وجه خبری «نمک و شکر برای انسان مضر است» را به صورت وجه پرسشی «آیا می دانید که نمک و شکر برای انسان مضر هستند؟» بیان نماید. انتخاب وجه و نقش های گفتار همیشه با یکدیگر همپوشی ندارند و استعاره وجه شامل کاربرد یک صورت زبانی برای بیان معنایی است که نقش طبیعی آن صورت نیست (تامپسون، ۱۹۹۶: ۱۷۵). در استعاره وجه معنای وجه در درون بند بیان نمی شود بلکه در خارج از بند بیان می شود و در حقیقت وجهی جایگزین وجه دیگر می شود اما کارکرد وجه قبلی را بازنمایی می کند. موارد زیر نمونه هایی از استعاره وجه هستند:

- میتوانی در را ببندی؟ (استعاری: به کار بردن وجه خبری برای بیان دستور). یعنی در را ببند.

- ۸) امیر دیر نکرده؟ (استعاری: استفاده از پرسش برای بیان یک جمله خبری) یعنی امیر دیر کرده است.

۳.۲.۲.۲. استعاری دستوری وجهیت

در استعاره وجهیت یک «بند کوچک» ۱۰ برای بیان معنای وجهیت، که گاهی با افعال بیان می شوند، به کار می رود (هلیدی، ۱۹۸۵). مثلاً بند «علی احتمالاً فردا به مدرسه می رود» به صورت «احتمال می رود که علی فردا به مدرسه برود» بیان می شود و در حقیقت یک بند تبدیل به دو بند می شود. وجهیت

Small clause. ۱۰

به دیدگاه‌ها و عقاید افراد نسبت به «گزاره‌هایی» که با زبان یا موقعیت-هایی که از طریق گزاره‌ها توصیف می‌شوند، برمی‌گردد (لاینز، ۱۹۷۷: ۵۴۱). «کرک» ۱۱ (۱۹۸۵: ۲۱۹) هم وجهیت را «قضاوت گوینده» ۱۲ نسبت به صحت گزاره‌ها می‌داند. تظاهر وجهیت در قالب افعال وجهی صورت می‌گیرد ولی در حالت استعاری با یک بند کوچک بیان می‌شوند؛ به عنوان نمونه، زمانی که منظور ما «احتمالاً» است، از عبارت «من فکر می‌کنم»، «(به نظر می‌رسد)» و غیره استفاده می‌کنیم؛ بنابراین، وجهیتی که با یک بند کوچک بیان شود، استعاری است (هلییدی و متیسن، ۲۰۰۴). حالت متجانس برای وجهیت با استفاده از عباراتی است که امکان و احتمال را نشان می‌دهند ولی برای حالت استعاری با استفاده از یک بند فرافکنده جداگانه در بندی که شامل یک بند مستقل و یک بند وابسته است، بیان می‌شود. مثلاً جمله‌ی زیر را در نظر بگیرید:

الف - او مطمئناً پسر خوبی است (صورت متجانس).

ما در این جمله یک عنصر وجهی، یعنی «مطمئناً»، را داریم که می‌توانیم آن را با استفاده از یک بند کوچک، «ما مطمئن هستیم» به صورت استعاری بیان کنیم؛ مانند جمله‌ی زیر:

• ب - ما مطمئن هستیم که او پسر خوبی است (صورت استعاری).

۴. روش پژوهش

۴/۱. جامعه و نمونه آماری

پژوهش حاضر از نظر روش و ماهیت از نوع توصیفی و مقایسه‌ای است؛ قصد بر آن است که با ارائه‌ی توصیفی از استعاره‌های به کاررفته در متون نوشته‌شده توسط زبان‌آموزان غیرفارسی زبان و همچنین کتاب خواندن سطح پایه، بسامد و نوع آنها در این متون مقایسه شود. متغیرهای مورد نظر در این پژوهش استعاره‌های دستوری اندیشگانی و بینافردی هستند. زبان‌آموزان همگی در سطح پایه مشغول به تحصیل بودند و تعداد آنها ۱۴ نفر بود. این زبان‌آموزان در طیف سنی ۱۹-۲۳ و همگی چینی بودند و مدت ۲ ماه و نیم از تحصیل آنها در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه امام خمینی (ره) می‌گذشت.

۱۱. Quirk

۱۲. Speaker's judgement

کتاب خواندن و درک مطلب فارسی (تالیف جعفری، ۱۳۹۱) در ۱۶ درس و جهت تدریس مهارت خواندن به فارسی آموزان غیر فارسی زبان، تالیف شده است. که هر درس شامل یک متن اصلی، تمرین‌های مربوط به درس (درست و نادرست، پاسخ تشریحی به سوالات و معنای کلمات)، کاربرد واژه‌ها و مصدرها می‌شود. همچنین در هر درس یک متن کوتاه دیگر هم گنجانده شده که تمرینات کوتاهی هم درباره این متون داده شده است. این کتاب به زبان آموزان سطح پایه کمک می‌کند با استفاده از متون، درک خوانداری خود را بالا ببرند و همچنین با فرهنگ ایرانی - اسلامی آشنا شوند.

۲/۴. شیوه گردآوری و واکاوی داده‌ها

در این پژوهش از زبان آموزان یک کلاس (که همگی چینی و در سطح پایه بودند) خواسته شد در مورد موضوعی بنویسند. به دلیل ثابت نگه داشتن متغیر موضوع، از همه آنها خواسته شد که درباره یک موضوع واحد (عید نوروز) بنویسند تا اعتبار پژوهش حفظ شود. نوشته‌های آنها به طور میانگین شامل ۱۵۰ واژه بود. در ابتدا متون فارسی آموزان مطالعه و سپس تعداد بندهای متجانس و نامتجانس شمارش شد. از آنجایی که در نقشگرایی به مطالعه بند می‌پردازیم، تعداد بندهای نوشته‌ها هم شمارش شد. نوشته‌های زبان آموزان به دلیل آنکه مدت کوتاهی مشغول یادگیری فارسی بوده‌اند، دارای اشکالات دستوری و واژگانی زیادی بود اما این موضوع باعث اختلال در شناسایی استعاره‌ها نشد. البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که گاهی دیده شد که استعاره‌های دستوری به طور صحیح در نوشته‌ها به کارگرفته نشده‌اند؛ در این مورد، این استعاره‌ها شمارش نشدند. در گام بعدی به بررسی کتاب خواندن سطح پایه نوشته جعفری و همکاران (۱۳۹۱) و سپس مقایسه آن با نوشته‌های زبان آموزان پرداختیم.

۵. ارائه و واکاوی داده‌ها

در این بخش داده‌های ما که نوشته‌های زبان آموزان در مورد عید نوروز هستند، از نظر نوع و تعداد استعاره‌های دستوری به کار رفته در آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۵. استعاره‌ها در نوشته‌های فارسی آموزان

با بررسی داده‌ها مشخص شد که این ۱۴ دانشجو در مجموع، ۲۶۸ بند نوشته‌اند که از مجموع این ۲۶۸ بند، ۲۱ بند نامتجانس هستند و باقی بندها متجانس. از میان این ۲۱ بند ۱۹ بند دارای استعاره دستوری اسم‌سازی و ۲ بند دارای استعاره وجهیت هستند. هیچ استعاره دستوری از نوع وجه و گذرایی در نوشته‌های دانشجویان سطح پایه دیده نشد. به عبارت دیگر، ۷/۸۳٪ از بندها استعاری (نامتجانس) بودند و ۹۲/۱۷٪ متجانس. از این میزان، ۷/۰۸۹٪ از اسم‌سازی و ۰/۷۴٪ از وجهیت استفاده شده بود. در نوشته‌های زبان‌آموزان هیچ استعاره گذرایی و وجه دیده نشد. تعداد استعاره‌ها در مقایسه با تعداد بندهای متجانس میزان بسیار کمتری را به خود اختصاص داده‌اند. درست است که با این میزان کم داده‌ها نمی‌توان نتیجه قطعی گرفت، اما شاید بتوان گفت که زبان‌آموزان سطح پایه، که در این پژوهش دانشجویان چینی هستند، هنوز به آن مرحله از درک زبان فارسی برای به کارگیری استعاره‌ها نرسیده‌اند که بتوانند انواع مختلف آن را در نوشته‌های خود استفاده کنند. این موضوع نشان می‌دهد که به کارگیری استعاره‌ها در سطح پایه برای زبان‌آموزان دشوار است. این موضوع با آنچه که هلیدی (۱۹۹۳) بیان می‌کند همسو است. به اعتقاد هلیدی (همان) استعاره‌های دستوری باید در مراحل بالاتر یادگیری آموخته شوند. همچنین، او معتقد است که استعاره‌های دستوری بینافردی یعنی استعاره‌های وجه و وجهیت قبل از استعاره‌های اندیشگانی اسم‌سازی و گذرایی آموخته می‌شوند. البته شاید با تمرکز بر متغیر ملیت‌های زبان‌آموزان، نتایج دیگری به دست آید؛ مثلاً اینکه شاید زبان‌آموزان عرب به دلیل نزدیکی زبان عربی به زبان فارسی زودتر از ملیت‌های دیگر، حتی در مقطع پایه، بتوانند از استعاره‌ها استفاده کنند که این موضوع در پژوهشی جداگانه می‌تواند قابل بررسی باشد. نکته جالبی که در نوشته‌های زبان‌آموزان دیده شد، این است که گاهی زبان‌آموزان از استعاره‌ها استفاده کرده‌اند اما از نظر کاربرد در جمله اشتباه است. مثل جمله‌ی زیر:

•سپس تمام خانواده پرش بر آتش به نوبه خود.

در این جمله زبان‌آموز از استعاره استفاده کرده اما نه به صورت درست. به

نظر می‌رسد که دانشجو این ساختار را دیده اما به کارگیری آن را یاد نگرفته و هنوز کاربرد استعاره برای او دشوار است؛ شاید بتوان گفت علت آن است که در سطح عمومی به دانشجویان آموزش داده نمی‌شود که چطور جملات ساده را به صورت استعاری و پیچیده بنویسند. براساس برنامه‌ریزی و محتوای متون درسی آموزش داده شده به زبان‌آموزان، انتظار می‌رود هنگامی که زبان‌آموزان در دوره پیشرفته زبان فارسی را یاد می‌گیرند به اندازه یک نوجوان دبیرستانی بتوانند از زبان فارسی استفاده کنند؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت که استفاده از استعاره‌های دستوری در سطح پیشرفته بیشتر خواهد شد که این موضوع نیز می‌تواند در پژوهش‌های آینده مورد بررسی قرار گیرد. نکته دیگری که در نوشته‌های دانشجویان سطح پایه دیده می‌شود، این است که تعداد استعاره‌های اندیشگانی اسم‌سازی در نوشته‌هایشان نسبت به انواع دیگر استعاره‌ها بیشتر است.

جدول ۱. استعاره‌ها در نوشته‌های فارسی آموزان

تعداد کل بندها	بندهای استعاری			بندهای غیر استعاری
۲۶۸ بند	۲۱ عدد ۷/۸۳٪			۲۴۷ بند ۹۲/۱۷٪
	اسم‌سازی	۱۹ عدد	۷/۰۸۹٪	
	وجهیت	۲ عدد	۰/۷۴٪	
	وجه	۰	۰/۰٪	
	گذرایی	۰	۰/۰٪	

۲. ۵. استعاره‌ها در کتاب خواندن

نتایج به دست آمده از بررسی استعاره‌ها در کتاب خواندن به این شرح است: از بین ۱۰۱۱ بند موجود در کل کتاب ۹۷ بند استعاری وجود دارد؛ یعنی ۹/۵۹٪ بندها نامتجانس هستند و ۹۰/۴۱٪ بندها متجانس. از این میزان، استعاره‌های اسم‌سازی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند که به تعداد ۸۰ فقره (۷/۹۱٪) است. از نظر تعداد، استعاره‌های وجهیت به میزان ۹ فقره (۰/۸۹٪)

و گذرایی به میزان ۸ فقره (۰/۷۹٪) رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده - اند. آنچه در نوشته‌های دانشجویان سطح پایه دیده می‌شود، این است که تعداد استعاره‌های اندیشگانی اسم‌سازی در نوشته‌هایشان نسبت به انواع دیگر استعاره‌ها بیشتر است. درواقع، می‌توانیم ببینیم که در کتاب خواندن هم این نوع استعاره بیشتر از سایر استعاره‌ها به کار رفته است.

جدول ۲. استعاره‌ها در کتاب خواندن و درک مطلب

تعداد کل بندها	بندهای استعاری			بندهای غیر استعاری
۱۰۱۱ بند	۹۷ عدد ۰/۹۱٪			۹۱۴ بند ۰/۴۱٪
	اسم‌سازی	۸۰ عدد	۰/۷۲٪	
	وجهیت	۱۹ عدد	۰/۰۸٪	
	وجه	۰	۰/۰٪	
	گذرایی	۸	۰/۰۷٪	

۵. ۳. واکاوی داده‌ها

در اینجا چند نمونه از استعاره‌های به کار رفته در نوشته‌های دانشجویان و همچنین در کتاب خواندن سطح پایه را ذکر می‌کنیم. قابل ذکر است که کل نوشته‌های دانشجویان در قسمت ضمیمه آورده شده است. در این نوشته‌ها اشتباهات دستوری و املائی به چشم می‌خورد و نوشته‌ها همانطور که بودند (بدون اصلاح) در قسمت ضمیمه آورده شده‌اند. نمونه‌هایی از استعاره‌های به کار رفته در کتاب خواندن:

اسم‌سازی:

- استفاده از وسایل جدید در خانه‌های امروزی زندگی مردم را عوض کرده است (ص ۱۵۲).
- به گرم کردن یا خنک کردن خانه‌ها کمک بیشتری می‌کردند (ص ۱۵۶).
- نوشتن و حرف زدن تهرانی‌ها باهم فرق دارد (ص ۱۰۷).
- ... بعد از پاک کردن جوبات آن را پختیم (ص ۴۴).

وجهیت

- من مطمئنم از این رستوران‌ها خوشت می‌آید (ص ۱۰۶).
- فکر می‌کنند با لباس جدید خیلی متفاوت می‌شوند (ص ۶۶).
- او فکر می‌کرد بیشتر دانشجویان جوان به فکر نمره هستند (ص ۳۶).

گذرایی

- اما آش به خوبی پخت و جا افتاد (آماده شد) (ص ۴۴).
- همه چیز در یک لحظه به هم ریخت (خراب شد) (ص ۵۷).
- یا از خوردن قرص و شربت خوششان نمی‌آید (دوست ندارند) (ص ۸۲).
- هیچ موردی از استعاره وجه دیده نشد.
- استعاره‌های دیده شده در نوشته‌های زبان‌آموزان:

اسم‌سازی

- مردم برای راه‌اندازی آتش و آتش شب به خیابان‌ها رفتند.
- در عید نوروز خانواده‌ها برای غذا خوردن دور هم جمع می‌شوند.
- یکی از مهمترین مراسم جشن نوروز چیدن سفره هفت سین است.

وجهیت

- مادر بزرگ به بچه‌ها کادو ممکنه عیدی دهند.
- مادر بزرگ پدر بزرگ به بچه‌ها کادو ممکنه عیدی بدهند.
- هیچ نمونه‌ای از استعاره‌های گذرایی و وجه دیده نشد.

۶. تفسیر داده‌ها

هلیدی (۱۹۹۳) در نظریه یادگیری زبان بنیاد مطرح کرده است که یکی از مشخصه‌های رشد زبان از منظر مطالعات نقش‌گرایی نظام‌مند در زمینه یادگیری زبان توسط کودکان، نوجوانان و جوانان این است که یادگیری اصطلاحات انتزاعی و استعاره دستوری در سطح دبیرستان توسط جوانان به کار می‌رود. انتظار می‌رود که غیر فارسی‌زبانان در مقطع پیشرفته بتوانند فارسی را در حدودی که فارسی‌زبانان در مقطع پیش دانشگاهی به کار می‌برند، مورد استفاده قرار دهند؛ هرچند که از نظر شناختی می‌توان این موضوع را بررسی کرد که آیا دانشجویان غیر فارسی زبان که بعضاً در مقاطع کارشناسی در کشورهای خودشان تحصیل

کرده‌اند و با هدف ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر به ایران آمده‌اند، با دانش - آموزان فارسی زبان مقطع پیش دانشگاهی قابل مقایسه هستند؟ شاید بتوان پاسخ این سوال را این گونه داد که هلیدی (۱۹۹۳) بیان کرده که با توجه به اینکه پیشرفت زبانی (language development) یادگرفتن آن است که چطور منظور خود را منتقل کنیم، و اینکه بشر موجودی است که همیشه دارای هدف و منظوری است و با فرایندهای نشانه‌شناختی سروکار دارد، فرایندهای یادگیری انسان‌ها ماهیتاً نشانه‌شناختی هستند؛ در نتیجه، این امکان وجود دارد که فرایندهای یادگیری را به طور کلی، براساس شیوه‌های که کودکان معنای مورد نظر خود را به تصویر می‌کشند، مدل‌سازی کنیم و به این پرسش توجه کنیم که چطور کودکان به طور همزمان درگیر یادگیری زبان (learning language) و یادگیری از طریق زبان (learning through language) می‌شوند؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که باید فرایندهای یادگیری (در اینجا به طور خاص یادگیری زبان) را براساس روشی که کودکان در روند رشد طی می‌کنند، الگوسازی کرد. البته به نظر می‌رسد که هلیدی به بخش شناختی آن توجه کمتری کرده است. از نظر شناختی یک کودک با یک بزرگسال که حتی برخی از مقاطع تحصیلی مانند دوره کارشناسی را در کشور خودش گذرانده است، قابل مقایسه نیست. قطعاً یک جوان ۲۰ ساله با یک کودک ۸ یا ۹ ساله از نظر درک آنها نسبت به دنیای پیرامون و تجربیات، که به فرانش اندیشگانی برمی‌گردد، متفاوت است و این موضوع می‌تواند بر به کارگیری زبان تاثیرگذار باشد. این موضوع می‌تواند بر اساس رویکردهای شناختی مورد بررسی قرار گیرد ولی در مقاله حاضر تمرکز نویسندگان بر روی نظریه زبان بنیاد هلیدی (۱۹۹۳) است. می‌توان گفت که دانشجویان غیر فارسی زبان در مقطع عمومی از نظر زبانی با یک کودک فارسی زبان قابل مقایسه هستند؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که بتوانیم بگوییم آنها در سطح پایه قادر به کاربرد استعاره‌های دستوری نیستند؛ همان‌طور که کودکان فارسی زبان هم از این استعاره‌ها در مراحل بعدی رشد زبانی خود استفاده می‌کنند. هلیدی (۱۹۹۳) یادگیری استعاره دستوری را بیستمین ویژگی زبان‌آموزی کودک می‌داند و معتقد است کودکان دست کم تا سن ۸-۹ سالگی نمی‌توانند از استعاره دستوری استفاده کنند. همان‌طور که با بررسی

داده‌ها مشخص شد، زبان‌آموزان سطح پایه به میزان بسیار کمی از استعاره‌ها استفاده کرده‌اند که بیشتر آنها استعاره‌های اسم‌سازی هستند. در کتاب خواندن پایه هم شرایط به همین منوال است. شاید بتوان مدعی شد که چون در کتاب خواندن از استعاره‌ها به میزان کمی استفاده شده است و میزان اسم‌سازی‌ها از دیگر استعاره‌ها بیشتر است، این موضوع بر نوشته‌های فارسی‌آموزان نیز تاثیر گذاشته است و به همین دلیل است که از نظر نوع و بسامد به کارگیری استعاره‌ها شباهت زیادی بین کتاب و نوشته‌های فارسی‌آموزان وجود دارد. این نتیجه همسو با پژوهش درویانکا (۱۹۹۵) است که او معتقد است که در مورد یادگیری زبان توسط کودک، نکته‌ای حائز اهمیت است و آن این است که وقتی کودک در معرض متون نوشتاری قرار می‌گیرد که حاوی استعاره‌های دستوری هستند، کودک از آن متون الگوبرداری و از استعاره‌ها استفاده می‌کند. بنابراین، می‌توانیم بگوییم ممکن است زبان‌آموز تحت تاثیر متنی که در آموزش زبان از آن استفاده می‌شود، قرار گیرد. شاید بتوانیم بگوییم که این دستاورد با نتایج حاصل از پژوهش رشینا-پانکوا (۲۰۱۰) تا حدودی هماهنگی دارد. هنگامی که زبان‌آموزان در کتاب خواندن خود با تعدادی استعاره روبرو می‌شوند، می‌توانند تا حدودی از آن استعاره‌ها در نوشته‌های خود نیز استفاده کنند؛ زیرا در این پژوهش مشخص شد که نوع و تعداد استعاره‌های به کار رفته در کتاب خواندن سطح پایه با نوع و تعداد آنها در نوشته‌های زبان‌آموزان تا حدودی هماهنگی دارد. بنابر آنچه تاکنون ذکر شد، می‌توانیم بگوییم که بهتر است در متون آموزشی سطح پایه (برای دانش‌جویان غیرفارسی‌زبان) از استعاره‌های دستوری استفاده نشود و یا در حدی باشد که دانش‌جویان بتوانند متن مورد نظر را درک کنند. استعاره، همان‌طور که پیش از این هم ذکر کردیم، صورت نامتجانس یک بند محسوب می‌شود؛ اگر بخواهیم به زبان ساده بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم که شکل استعاری صورت پیچیده‌تری از بند است که همان معنا را با صورت دستوری متفاوتی بیان می‌کند. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که یادگیری صورت‌های زبانی پیچیده‌تر برای دانش‌جویان سطح پایه دشوار خواهد بود که البته احتمال دارد که این موضوع در مورد دانش‌جویان غیرعرب بیشتر صدق کند. (این موضوع در پژوهشی جداگانه قابل بررسی است). براساس نظر

هلیدی (۱۹۹۳) هم نباید انتظار داشته باشیم که در مراحل اولیه یادگیری زبان این استعاره‌ها به کاربرده شود. چون به اعتقاد هلیدی کودکان در اواخر دوره ابتدایی قادر به استفاده از استعاره‌ها هستند. رضاپور (۱۳۹۲) هم در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که در آموزش و تهیه و تدوین متون درسی برای غیر فارسی‌زبانان باید استعاره‌های دستوری را در سطوح پیشرفته مد نظر قرار داد و از کاربرد آن در سطوح پایه خودداری کرد. با بررسی نوشته‌های دانشجویان غیرفارسی زبان متوجه شدیم که دانشجویان بیشتر از استعاره‌های اسم‌سازی استفاده کرده‌اند؛ به اعتقاد هلیدی استعاره‌های اندیشگانی بیشتر از استعاره‌های بینافردی در متون نوشتاری به کارگرفته می‌شوند. تاورنیرز (۲۰۰۳) بیان می‌کند که به اعتقاد هلیدی زبان نوشتاری استعاره‌های دستوری اندیشگانی بیشتری نسبت به زبان گفتاری دارد؛ این موضوع به میزان پیچیدگی متن برمی‌گردد. گفته می‌شود که متون نوشتاری از نظر واژگانی غنی‌تر از متون گفتاری هستند و اسم‌سازی می‌تواند میزان اطلاعات و واژگان بیشتری را در بند نسبت به حالت غیر استعاری در اختیار خواننده قرار دهد. بنابراین طبق گفته هلیدی نتیجه به دست آمده از پژوهش حاضر می‌تواند قابل قبول باشد. همچنین به این نتیجه رسیدیم که زبان‌آموزان سطح پایه به میزان کمی از استعاره‌ها استفاده کرده‌اند. حتی گاهی دیده شد که از استعاره‌ها استفاده کرده‌اند اما نه در جای درستشان. پس شاید بتوان گفت که در سطح پایه، زبان‌آموز هنوز به آن درک از زبان فارسی نرسیده است که بتواند استعاره‌ها را به طور درست و با بسامد بالا در متون خود استفاده کند. این موضوع با آنچه که هلیدی (۱۹۹۳) بیان کرده، همسو است؛ به اعتقاد وی کودک در مراحل اولیه یادگیری زبان قادر به استفاده از استعاره‌های دستوری نیست.

به اعتقاد هلیدی استعاره‌های دستوری وجهیت زودتر از استعاره‌های اندیشگانی آموخته می‌شود؛ در واقع این موضوع به دلیل آن است که کودکان در ابتدا صحبت کردن را می‌آموزند و در مراحل بعدی و با رفتن به مدرسه نوشتن را. در مورد فارسی‌آموزان هم همین‌گونه است؛ مهارت نگارش برای فارسی‌آموزان گاهی دشوارتر از صحبت کردن است و آن را دیرتر از صحبت کردن فرا می‌گیرند. همان‌طور که پیش از این هم ذکر شد، هلیدی معتقد است که استعاره‌های

اندیشگانی بیشتر، ابزار نوشتار هستند؛ بنابراین، انتظار می‌رود که فارسی‌آموزان از استعاره‌های اندیشگانی در متون نوشتاری خود بیشتر استفاده کنند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر همسو با این مساله است. زیرا فارسی‌آموزان در متون خود از استعاره‌های اسم‌سازی بیشتر از انواع دیگر استفاده کرده‌اند.

مورد حائز اهمیت دیگر این است که از آنجایی که تعداد استعاره‌های کتاب خواندن و تعداد آنها در نوشته‌های دانشجویان تفاوت چندانی با هم ندارند، شاید بتوان نتیجه گرفت که دانشجویان تحت تاثیر کتاب توانسته‌اند همین میزان استعاره را استفاده کنند. این موضوع هم‌راستا با نتایج پژوهش درویانکا (۱۹۹۵) است. او بیان می‌کند که وقتی کودک در معرض متون نوشتاری قرار می‌گیرد که حاوی استعاره‌های دستوری هستند، این موضوع می‌تواند در به کارگیری استعاره‌ها توسط کودک تاثیر بگذارد؛ یعنی ممکن است باعث شود کودک هم به تقلید از آن متون از استعاره‌های دستوری استفاده کند. با این حال شاید بتوان گفت که دانشجویان مستعد آن هستند که هر آنچه در کتاب خود می‌خوانند و تکرار می‌شوند، بتوانند استفاده کنند. با توجه به اینکه دانشجویان از بندهای نامتجانس در نوشته‌های خود استفاده کرده‌اند، هرچند به میزان بسیار پایین، می‌توان گفت که دانشجویان پتانسیل آن را دارند که این استعاره‌ها، مخصوصاً اسم‌سازی، را در سطح پایه فراگیرند. شاید بتوان گفت که با به کارگیری تعداد بیشتری از استعاره‌های دستوری، مخصوصاً استعاره اسم‌سازی، در کتب سطح پایه و قرار دادن دانشجو در معرض این نوع بندها، بتوان این نوع استعاره‌ها را به دانشجویان سطح پایه نیز آموزش داد. با توجه به اینکه حدود ۱۰ درصد از کل بندهای کتاب و همچنین ۷ درصد از کل بندهای نوشته‌شده توسط دانشجویان نامتجانس هستند، می‌توان پذیرفت که وجود این تعداد بند نامتجانس نمی‌تواند مشکلی در یادگیری دانشجویان ایجاد کند. بنابر نتایج فوق می‌توان نتیجه گرفت که کتاب مذکور از نظر کاربرد استعاره‌ها توانسته است نیاز زبان‌آموزان را تا حدودی برطرف نماید. همان‌طور که زبان‌آموزان در نوشته‌های خود از استعاره اسم‌سازی بیشتر از انواع دیگر استعاره‌های دستوری استفاده کرده‌اند، این کتاب نیز میزان اسم‌سازی‌های بیشتری نسبت به استعاره‌های دیگر دارد؛ بنابراین، از این نظر می‌تواند کتاب مناسبی برای

سطح پایه باشد. در این کتاب بیشتر از استعاره‌های اسم‌سازی استفاده شده است و موردی از استعاره‌دستوری وجه دیده نمی‌شود. در بین نوشته‌های دانشجویان هم این استعاره دیده نمیشود؛ بنابراین، می‌توان گفت که بهتر است در کتب درسی پایه از دو استعاره‌اسم‌سازی و وجهیت استفاده شود و آموزش استعاره‌های گذرایی و وجه را به سطح پیشرفته موکول کرد. مورد بعدی در مورد پژوهش حاضر این است که شاید موضوع نگارش می‌تواند بر میزان تعداد و نوع استعاره‌های به کار برده شده توسط زبان‌آموزان تاثیرگذار باشد که این نیز در پژوهشی جداگانه قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای آموزشی و پژوهشی

باتوجه به بررسی داده‌ها و انجام تحلیل‌ها مشخص که نوع و تعداد استعاره‌های به کار رفته در کتاب خواندن و نوشته‌های زبان‌آموزان تا حدودی بر هم منطبق است. در کتاب مذکور، بیشتر از استعاره‌های اسم‌سازی استفاده شده است و موردی از استعاره‌دستوری وجه دیده نمی‌شود. در بین نوشته‌های دانشجویان هم این استعاره دیده نمی‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر، نگارندگان چند پیشنهاد پژوهشی را ارائه می‌دهند:

- ۱/۷ بررسی تاثیر موضوع نگارش بر بسامد و نوع استعاره‌های به کار برده شده توسط زبان‌آموزان.
- ۲/۷ بررسی تاثیر ملیت زبان‌آموزان سطح پایه به طور مقایسه‌ای بر کاربرد استعاره‌های دستوری.
- ۳/۷ مقایسه‌ی گفتار و نوشتار زبان‌آموزان و بررسی نوع و بسامد استعاره‌های به کار رفته در آنها.
- ۴/۷ بررسی اینکه آیا زبان‌آموزان در گفتار خود از استعاره‌های دستوری استفاده می‌کنند یا خیر. اگر استفاده می‌کنند، بیشتر چه نوع استعاره‌هایی را به کار می‌برند و تفاوت آن با نوشتارشان چیست.
- ۵/۷ بررسی و مقایسه‌ی زبان‌آموزان سطح پایه و پیشرفته از نظر کاربرد استعاره‌های دستوری.
- پیشنهاد آموزشی:
- بهتر است در دوره پایه از استعاره‌ها به شکلی استفاده شود که برای فارسی‌آموزان مشکل ساز نباشد و متن را برای آنها غیر قابل فهم نکند.

منابع

منابع فارسی

- احمدی، شیوا، (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمان انتقادی استعاره‌های دستوری اسم‌سازی و وجهیت در متون سیاسی فارسی و انگلیسی: رویکرد وندایک». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. سمنان: دانشگاه سمنان.
- جعفری، فاطمه و همکاران، (۱۳۹۱)، خواندن و درک مطلب فارسی برای زبان آموزان غیر ایرانی. تهران: دانشگاه تهران. موسسه دهخدا.
- رضایپور، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «درجه‌بندی و چینش متون آموزش زبان فارسی به غیر فارسی-زبانان بر پایه گذرایی و استعاره دستوری»، پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان.
- رضویان. حسین؛ مبارکی. ساجده، (۱۳۹۳)، «استعاره دستوری در متون علمی و ادبی زبان فارسی». تهران: دانشگاه علامه، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی.
- مبارکی، ساجده (۱۳۹۱)، «استعاره دستوری در متون علمی و ادبی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. سمنان: دانشگاه سمنان.
- وندایک. تئون ا. (۱۳۸۷). مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی. پیروز ایزدی و همکاران (مترجم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

منابع انگلیسی

- ak r Sar , H& Cengiz, (۲۰۱۶). Grammatical Metaphor in Turkish Classrooms. International Journal of Sciences: Basic and Applied Research (IJSBAR) ۱۳۵-۱۱۸:(۲)۲۶ ; ۲۰۱۶/۰۴.
- Derewianka. B. (۱۹۹۵). Language Development in the Transition from Childhood to Adolescence: The role of grammatical metaphor. Unpublished PhD Thesis. Department of English and Linguistics, Macquarie University.
- (۱۹۸۵). Spoken and Written Language. Geelong, Vic.: Deakin University Press.
- (۱۹۸۹). Spoken and Written Language. ۲nd edition. Oxford: Oxford.
- (۱۹۹۳). Towards a Language-based Theory of Learning. Linguistics and Education, ۱۱۶-۹۳ :۵.

- (۱۹۹۴). An Introduction to Functional Grammar. ۲nd edition. London: Arnold.
- (۱۹۹۸) Things and relations: Regrammaticising experience as technical knowledge. In: J.R.
- Halliday, M. A. K. (۲۰۰۵). On Matter and Meaning: the two Realms of Human Experience. Linguistics and the Human Sciences ۱(۱). PP. ۸۲-۵۹.
- Halliday, M.A.K & Martin, J. (۱۹۹۳). Writing Science: Literacy and Discursive Power. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
- Halliday, M.A.K & Mathiessen, C. (۲۰۰۴). An Introduction to Functional Grammar, ۳rd edition. London: Arnold.
- Hickmann, M. (۱۹۸۶). Psychological aspects of language acquisition. In P. Fletcher & M. Garman(Eds.). Language acquisition (pp. ۲۹-۹). Cambridge: Cambridge University Press. Longman.
- Lyons, J. (۱۹۷۷). Semantics. Vol. ۲. Cambridge: Cambridge University Press.
- Martin, J. R. (۱۹۹۰). Literacy in Science: Learning to handle text as technology. In F. Crihrstie(ED.), Literacy for a changing world (Pp ۱۱۷-۷۹). Hawthorn: Australian Council for Educational Research.
- Painter, C. (۲۰۰۳). The Use of a Metaphorical Mode of Meaning in early Language Development. Sydney: University of New South Wales.
- Piaget, J. (۱۹۷۲) . The principles of general Epistemology. NY: Basic Books.
- Quirk, R. et al. (۱۹۸۵). A comprehensive Grammar of the English Language. London:
- Ryshina-pankova, M. (۲۰۱۰). Toward Mastering the Discourses of Reasoning: Use of Grammatical Metaphor at Advanced Levels of Foreign Language Acquisition. The Modern Language Journal, ۱۹۷-۱۸۱ : (۲)۹۴.
- Schleppegrell, M. J. (۲۰۰۴). Technical writing in a second language: The role of grammatical metaphor. In L. Ravelli & R. Ellis (Eds.), Analysing Academic Writing: Contextualized Frameworks (pp. ۱۸۹-۱۷۲). London: Continuum.
- Taverniers, M. (۲۰۰۲). Systemic-Functional Linguistics and the Notion of Grammatical Metaphor. Doctoral Dissertation, University of Gent: Department

of English.

- _____. (۲۰۰۳). Grammatical Metaphor in SFL: A Historiography of the Introduction and Initial Study of the Term, In: Simon-Vandenberg, Taverniers & Ravelli (eds.), Grammatical Metaphor: Views from systemic functional linguistics. (Current Issues in Linguistic Theory, ۲۳۶.), PP. ۳۳-۵. Amsterdam: Benjamins.
- Thompson, G. (۱۹۹۶). Introducing Functional Grammar. London: Arnold.
- Torr. J & Simpson. A. (۲۰۰۳). The emergence of grammatical metaphor: Literacy-oriented expressions in the everyday speech of young children. Macquarie University & Australian Catholic University. UP.
- Van Dijk, T. A. (۱۹۸۳). Discourse Analysis: Its Development and Application to the Structure of NEWS. Reprinted From Journal of Communication. Volume ۳۳:۲.

ضمیمه

نام: بینام

• در عید نوروز ایران همیشه در سفره هفت سین سیر، سمنو، سیب، سبزه، سنجد، سرکه و سماق دارد. موارد دیگری وجود دارد. آینه، شمعدان، قران، کتاب، گل آجیل، شیرینی، تنگ ماهی، حافظ. در ایران جشن سال نو یعنی جشن بهار آمد. جشن یک هفته برای سال نو. مردم برای راه اندازی آتش و آتش شب به خیابان ها رفتند. سپس تمام خانواده پرش بر آتش به نوبه خود. هفت غذای خوردنی در شب سال نو ایران. نام هر غذا باید با س شروع شود. ابراز خوشحالی. سیر، سیب، سرکه، سبزه، سماق، سنجد. از روز اول تا سوم مردم از خویشاوندان و دوستان بازدید می کنند.

نام: آرش

• در عید نوروز معمولا روی سفره هفت سین وجود دارند: سیر، سماق، سیب، سبزه، سمنو، سنجد. در عید نوروز خانواده های ایران با هم رفت و آمد می کنند. در ایران جوان ها به بچه ها عیدی می دهند. در عید نوروز خانواده ها برای غذا خوردن دور هم جمع می شوند. در عید نوروز لباس جدید می پوشند. در ایران عید نوروز اولین روز یعنی اولین روز بهار است. در عید نوروز آخرین خانواده ها با هم به سفر می روند. در عید نوروز دانش آموز تعطیل می شوند. در ایران عید نوروز بهار است. هوا کمی گرم تر است و نزدیک عید نوروز هوا واقعا خوب و معتدل است اما در چین عید نوروز زمستان است و نزدیک عید نوروز هوا واقعا سرد است.

نام: سوفیا

• برای من امسال کشوری خارجی عید نوروز را جشن می گیرم. وقتی که عید نوروز می آید مردم ایران مشغول هستند. برای من همه چیزهایی جدید است. دوستم به من گفت: همه در خانه بزرگترها جمع می شوند و جشن می گیرند. همه مردم خوشحال هستند. بازار خیلی شلوغ است. همه مردم آجیل و میوه و گوشت می خریدند. در خانه وسط اتاق پذیرایی میز دارد. روی میز چیزهایی زیاد دارد. اسمش سفره هفت سین است. آینه شمعدان، قرآن، کتاب اشعار، گل، آجیل، شیرینی، تنگ ماهی، حافظ، سکه، سماق، سیب، سمنو سنجد. این آداب و رسم ملی است. ولی من آن را خوب نفهمیدم. فقط خوشحال هستم. عید نوروز با عید چینی فرق زیاد دارد. دانشجویان ایرانی همه به خانه خودشان برمی گردند. چون تعطیلات حدود ۱۵ روز دارد. من فکر می کردم که تعطیلات

خیلی طولانی است و من تنبل شدم. ولی میخواستم در خوابگاه فقط بخوابم. یا بازی کنم. من و دوستم به شهر اصفهان رفتیم. در شهر اصفهان جاهای دیدنی و تاریخی زیاد وجود دارد.

نام: نگین

• عید نوروز آمده. خانواده در کنار میز غذاخوری جمع کنید. عمومی روی میز هفت سین غذا گذاشته. سیب، سنجد، سماق، سیر، سرکه، سمنو، سبزه. در لای میز عید نوروز غذای خیلی زیاد وجود دارد. آنها هنوز به مرکز خرید لباس جدید و جواهرات جدید و غذا زیاد بختی خرند. مثل شلوار، کفش، گردنبند، دستبند و گوشت. بازار شلوغ مردم مهمان نواز است. یا آنها در سر خیابان ترقه منفجر کنند. بعد کم خانواده سی روزها عید نوروز به شهر دیگر سفر روند. مثل کیش و اصفهان و شیراز. اینها محل خیلی زیبا را ویژگی‌ها است.

نام: عباس

• عید ملی و سنتی ایران عید نوروز. مردم ایران نوروز را که اول فروردین ماه (بیست و یکم مارس میلادی) و درست اولین روز بهار واقعه جشن می‌گیرند. یکی از مهمترین مراسم جشن نوروز چیدن سفره هفت سین است. یعنی گذاشتن هفت چیز در سفره مخصوص که اسم اون‌ها با حرف سین شروع می‌شود. مثلاً سبزه سیب، سکه، سمنو، سیر، سنجد، سماق. قران هم روی هفت سین وجود دارد. در عید نوروز همه مردم لباس‌های نو میپوشند و همه خانواده دور سفره هفت سین می‌نشینند.

نام: بهروز

• امروز من خیلی خوشحال. چون امروز عید نوروز ایران است. می‌خواهم دوستانم را در ایران بینم. من او را به ناهار دعوت کنم. وقتی که ما ناهار خوردیم از او پرسیدم که ایرانی‌ها در عید نوروز ایران چه کار می‌کنند؟ او به من گفت: خیلی زیاد. به عنوان مثال در عید نوروز ایران مردم باید در خانه سفره هفت سین را قرار دهند. مثال سیب سرکه، سماق، سمنو، سکه سبزه، سنجد. او به من گفت: جشن سال نو در ایران جشن بهار آمد. ایرانی‌ها برای یک هفته به شدت جشن می‌گیرند. ایرانیان شب جمع خواهند کرد تا به خیابان‌ها بروند تا آتش و رقص را بالا ببرند. این بدان معنی است که ما در آیندهای روشن یوحنا خواهیم داشت. ایرانی‌ها باید در شب سال نو هفت غذا بخورند. نام هر غذا باید از س شروع بشود. اکسپرس خوشحالی.

نام: خدیجه

• در ایران عید نوروز خیلی مهم است. ایرانی‌ها خیلی خوشحال هستند. مثلاً لباس می‌خرید. باید خانه‌تکانی کنند. فرش شوند. تنگ ماهی خرد. مادر بزرگ به بچه‌ها کادو ممکنه عیدی دهند. مهمترین چیز تعطیلات سال نو است. دانشجو شهر خانه به خانه می‌روند. همه مردم تعطیل هستند و می‌توانند از استراحت و پیوند خانوادگی برخوردار شوند. مردم ایران سفر هفت سین آماده به کنند. ۷ سین، سرکه، سکه، سماق، سیر، سبزه، سیب، سمنو وجود دارد. قرآن روی سفره قرار می‌دهد. این سنت ایران است. این موارد را در بسیاری از مکان‌ها خواهید کرد. بانک، فروشگاه، خانه. در سال نو مردم می‌توانند با فامیل‌هایشان رفت و آمد کنند. خانواده‌ها بیشتر دور هم جمع می‌شوند و باهم صمیمی‌تر بودند. عید نوروز خانواده‌ها به سفر می‌روند.

نام: سعاد

• در ایران عید نوروز خیلی هم است. تمام خانواده با هم در اتاق جمع می‌شوند. آنها باید لباس جدید بخرند و سبزیلوماهی و آجیل و شیرینی و میوه می‌خرند. ایران عید نوروز سه تعطیل است. در عید نوروز ایرانی‌ها سفره هفت سین زیر می‌کنند. سفره هفت سین یعانی هفت چیزی در بشقاب است و باهم چیزی سین دارند. مهمانان باید به خانه بیایند. ایرانی‌ها خیلی مهمان‌نواز هستند. زنها در آشپزخانه غذا می‌پزند. مردها با مهمان صحبت می‌کنند و بچه‌ها آجیل، شیرینی میوه را به مهمان می‌دهند. و در عید نوروز ایرانی‌ها هر سال سبزی و ماهی می‌خورند. ایران دارای تاریخ دیرینه است. ایران عید نوروز از چین متفاوت است. امسال من در ایران عید نوروز دارم. در عید نوروز تعطیلات با دوستم به اصفهان می‌رویم. ما در ترمینال با یک آقا صحبت می‌کنیم. او در اصفهان زندگی می‌کند. او پر مهر و محبت است. در اتوبوس ما صندلی راحت نیست. او صندلی راحت‌تری به ما داد. او خیلی خوشحال هست. در اصفهان او یک خانه به ما می‌دهد. ما در اصفهان ۴ روز است. اصفهان خیلی قشنگ است. من به جاذبه‌های بسیار می‌رویم.

نام: امیر

• این اولین سال نو گذراندم در ایران. من یلی این کشور ایران را دوست دارم. عید بهاری بدون هیچ گونه شک و تردیدی مهمترین عید سنتی ایرانی‌ها و چینی‌ها می‌باشد. در این روز همه اعضای خانواده گرد هم آمده و این عید خاص را جشن می‌گیرند. اما تفاوت‌های زیاد بین سال نو ایران و سال نو چینی وجود دارد. در ایران مردم روی میز هفت نوع غذا داد. اسم عوام پسند سفره هفت سین. سیب، سبزه، سرکه، سنجید، سمنو، سماق دارد. موارد دیگری وجود دارد. به‌طور مثال آینه و شمعدان، قرآن.

نام: بیژن

• در ایران عید نوروز عید مخصوص است. مردم چیز خیلی زیاد آماده هستند. مثلاً لباس، سبزه و میوه و آجیل و شیرینی و ماهی می‌خرند. عید نوروز بیشتر مردم باید خانه‌تکانی کنند. هم باید سفره هفت سین قرار بدهند. سفره هفت سین سیب، سیر و سکه و سبزه و سماق و سمنو دارد. سیب نشان متولد است. سبزه نشان شادابی است. سیر نشان سالم است. سکه نشان ثروت است. سرکه نشان صبر است. دیگر در روی میز تخم رنگی و آینه و شمعدان و تنگ ماهی و قرآن قرار می‌دهند. جوان به عیادت مسن می‌روند. مردم به همدیگر عیدی می‌دهند. فامیل‌ها با همدیگر رفت و آمد دارند و به کادو می‌دهند. هفته عید نوروز پیش مردم آتش روشن می‌کنند. مردم دور هم آتش جشن می‌گیرند. بعد عید نوروز مردم با هم از خانه بیرون می‌روند. به حومه شهر پیک نیک می‌روند. عید نوروز همه مدرسه، شرکت و فروشگاه تعطیل می‌کنند.

نام: فاطمه

• عید ایران خیلی زیاد دارد. من عید نوروز ایران دوست دارم. چون تعطیل مدرسه است. برای مردم ایران عید نوروز عید گراند است. عید نوروز پیش مردم امر زیاد دارند. مثلاً لباس، میوه، سبزه و ماهی می‌خرند. مردم باید خانه‌تکانی می‌کنند. عید نوروز چهارشنبه هفته پیش مردم در خیابان آتش روشن کنند. مردم در آتش کنار پرش به اطرافی. آنها می‌خواهند امر آینده خوب است. زندگی خوشحال است. عید نوروز شب چیزهای زیادی روی میز قرار می‌دهند. مثل سیب، سبزه، سماق، سرکه، سمنو و سکه. سیب نشان متولد است. سبزه نشان شاداب است. سیر نشان سلامتی است. سکه نشان ثروت. تنگ ماهی شیرینی و قرآن باهم روی میز است. در خانه آجیل و میوه و شیرینی وجود دارد. مردم به همدیگر فامیل‌ها رفت و آمد دارند. مردم به همدیگر عیدی می‌دهند.

نام: کوروش

• نوروز برای مردم ایرانی‌ها خیلی مهم است. نوروز تعطیلات است. همه مردم تعطیل هستند. فامیل جمع می‌شوند. لباس جدید می‌خرند. باید خانه‌تکانی بکنند. فرش بشویند. تنگ ماهی بخرند. مادر بزرگ پدر بزرگ به بچه‌ها کادو ممکنه عیدی بدهند. مردم ایرانی سفره هفت سین باید آماده به کنند. ۷ سی: سرکه، سکه، سمنو، سیر سماق، سبزه، سیب وجود دارد. القرآن روی سفره قرار می‌دهد. یک روز با دوستانم پیک نیک به کوه به روم.

نام: سینا

• نوروز ایران آخرین روز هر سال در اسفند یک جشنواره دارد. در اسفند چهارشنبه جشنواره دارد. برای بدبختی راندن مردم از فعالیت‌های آتشنشانی خود سال نو ایرانی در چیزی را روی میز قرار دهید. در میز سرکه‌ها، آجیل‌ها، ماهی قرمزها، سیبها و سیرها و سکه‌ها و سمنو وجود دارد. این‌ها نمادین هستند. ثروت، صبر، احساس خوشحالی و زندگی شاد. نوروز فرا می‌رسد و خانواده‌ها ایرانی در تکاپوی آمادگی برای استقبال از عید بهار. برای استفاده بهتر از طبیعت زیبای بهاری و سفر به نقاط دیدنی کشور در ایام تعطیل برنامه‌ریزی می‌کنند.

نام: لاله

• من در عید نوروز تعطیلات زیاد چیزها کار کردم. پدر من در زنجان کار می‌کند. پس من به زنجان رفتم. وقتی من تا زنجان رسیدم پدرم برای من سوپ اردک پخت. خیلی خوشمزه است. روز دوم تا ساعت هشت شب به کارخانه گشتیم و بعد از شام بخوابم. روز سوم ساعت ۷ صبح من از خواب بیدار شدم و صبحانه خوردم. سپس به بازار رفتم. سبزیجات‌ها و میوه و گوشت خریدیم تا شب ما در حیاط کباب کردیم. روز چهارم تولد من بود. اول به سوپرمارکت رفتیم و خیلی چیزها خریدیم. در باره چیزی که خوردن آن خیلی خوشمزه است و به خانه بیرون رفتیم. در خانه پدرم برای من غذا آشپزی کرد و جشن گرفتیم. بعد از دو روز من با پدرم از زنجان تا تهران رفتیم. قبل از ظهر ما به این حرکت رفتیم. پس دوست پدرم است. آنها در دفاتر صحبت کردند. وقتی آنها تمام شد من و پدرم در خیابان پیاده راه رفتیم. بعد از ظهر به رستوران جوان غذا خوردیم. سپس من یک سگ کوچک دیدم. یک چشمان او کور است. بسیار ضعیف است. من ناراحت بودم. تا شب من به خوابگاه برگشتم. این تعطیلات من. من خیلی خوشحال بودم.

